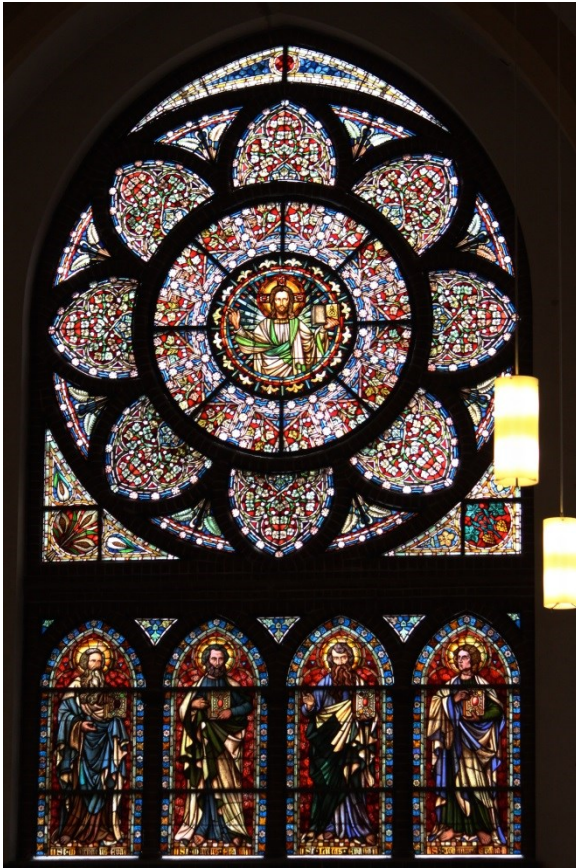


## درباره نجات

و به پسر یگانه او ، سرور ما عیسی مسیح، که به واسطه روح مقدس در رحم قرار گرفت و از مریم باکره متولد شد، و در حکومت پنطیوس پیلاتوس رنج کشید، مصلوب شد و بمرد و مدفون گردید و به عالم ارواح نزول کرد و در روز سوم از بین مردگان برخاست و به آسمان صعود کرده، بر دست راست خدای پدر ، قادر مطلق نشسته است و از آنجا خواهد آمد تا زندگان و مردگان را داوری نماید

یعنی چه؟

من ایمان دارم که عیسی مسیح، خدای حقیقی، از پدر در جاودانگی زاده شده است و همچنین انسان حقیقی، از مریم باکره متولد شده است، و او خداوند من می باشد. و مرا که انسانی گمراه و محکوم می باشم، نجات داده ، باز خریده و از تمام گناهان و از مرگ و نیرنگ شیطان، نه بوسیله طلا و نقره بلکه با خون مقدس و گرانبهای خود و با رنجها و مرگ بی تقصیر خویش، رهایی بخشیده است تا من از آن او باشم و در ملکوت وی زیر فرمان و امر او زندگی کنم و در عدالت و معصومیت و نجات ابدی، چنانچه او از مرگ برخاسته و زنده است و حکومت می کند تا ابد خدمتگزار او باشم و یقیناً این حقیقت محض است.



آموزش مبحث گناه به ما نشان داد که هرگونه تلاش و سعی برای دست یابی به خداوند از اول با شکست روبه رو خواهد شد. زیرا گناه انسان را از خدا جدا می سازد. اگر داستان گناه ارثی ما انسان ها که با خدا داریم به نحوی تمام می شد ، می توانستیم دیگر کاری با ایمان، دعا ، دین و مراسم عبادت نداشته باشیم. و آنها دیگر برای ما بی معنی می شدند. ولی حالا می دانیم که خدا با این داستان گناه ارثی ما هنوز کار دارد. و برای همین او اولین بار اینگونه ما را صدا می زند: ای آدم کجا هستی؟ او از صدا زدن انسان هایش خسته نشده است. او تک تک همه ما را صدا می زند او ابراهیم ، قوم اسرائیل و پیامبران را صدا می زند. برنامه خدا با انسان ها بی دلیل نبوده است. این راه خداوند بایستی تا یک نقطه ای بالا برای نجات ما انسان ها از طرف او ادامه می یافت. و در عیسی این هدف بالا تحقق یافته است. آمدن عیسی بصورت اتفاقی نبوده است بلکه آمدن مقدس او با برنامه بوده است که در نوشته های زیادی و در گفته های پیامبران آمده است. شما می توانید در عهد عتیق و در انجیل اشیا 52؛ 12-53؛ 13 را بخوانید که چطور سال ها پیش آمدن و به صلیب کشیدن او را پیش بینی می کند.

عیسی چه کسی است؟

امروزه انسان های زیادی از وجود عیسی شگفت زده هستند حتی مسلمانان نیز او را به عنوان یک پیامبر احترام می گذارند. البته مسیحیان این را می دانند که عیسی بیشتر از یک پیامبر بوده است. او ناجی ما از مرگ ، گناه و شیطان است. ولی عیسی مسیح چه کسی است واقعا؟

یک تمرین: اگر شما هنوز این کار را نکرده باشید و تحقیقی درباره او نکرده اید ، می توانید چهار انجیل متا ، مرقس ، لقا و یوحنا را بخوانید و همچنین می توانید فیلم عیسی مسیح را هم در لینک زیر ببینید:

<http://www.logect.com/download/movie-12/the-jesus-film-1979-persian-239/>

در اینجا این مهم است که تمام امثال و اعمال عیسی را بشناسیم و خطبه بالای کوه او را بخوانیم و در هفت جایی که خود را در انجیل یوحنا معرفی کرده است (من... هستم) را مرور بکنیم. و همچنین هفت کلمه آخری که در بالای صلیب زده شد را نیز باید بدانیم.

در ابتدا باید بگوییم که عیسی مسیح طبق نوشته های مقدس همان شخصیت مسح شده می باشد. که از طرف خداوند مژده به او داده شده است. معنی کلمه مسح شده همان مسیح است. مسح شده یعنی کسی که مسح داده شده باشد. در عهد عتیق پادشاهان اسرائیل مسح می شدند. و بدین ترتیب آنها خیلی خودکامه می شدند. از طرفی هم پیامبران مژده این را می دادند که خداوند شخصیت مسح شده خودش را برای انسان ها خواهد فرستاد و بدین ترتیب آزادی و صلح را در همه جا برقرار خواهد کرد. ولی عیسی خودش به شاگردانش این هشدار را می دهد که از این موضوع با کسی سخن نگویند. (لقا 24-18:9) اینها همه بخاطر این است که یهودیان آن زمان می خواستند که آن عیسی را به یک عیسی مسح شده قدرتمند زمینی تبدیل کنند. و برای همین یهودیان بالارته آن زمان همیشه سعی داشتند تا عیسی را وادار کنند تا به خدا بودن خود اعتراف کند (لقا 22:66-67) ولی او این کار را نکرد تا زمانی که در نزد پیلاتوس برای محاکمه حاضر شده بود. و او در ادامه می گوید که حکم فرمایی من نه برای این دنیا است بلکه برای دنیایی دیگر. (یوحنا 18:35-37) از زمان رستاخیز عیسی تا الان ما مسیحیان همیشه درباره او صحبت می کنیم. و از این رو این مشخص می شود که عیسی یک پادشاه سیاسی زمینی نمی باشد بلکه او پادشاه ما می باشد تا ما را از مرگ، گناه و شیطان رهایی دهد. و با او می توانیم به ملکوت بهشت خدا دست یابیم. مسیحیان هم برای همین است که اسم مسیحی را یک می کشند زیرا آنها به عیسی مسیح متعلق می باشند. این راهی که عیسی از زمان تولد تا مرگ و رستاخیز و نجات ما پیموده است را ما در ایمان نامه رسولان به واضح بیان می کنیم. ایمان نامه رسولان قصد ندارد که زندگی نامه عیسی را برای ما دوباره تکرار کند بلکه او می خواهد این را بگوید که عیسی چه کسی است و او برای ما انسان ها چه کار انجام داده است.

در ابتدا این روشن می شود که عیسی تنها پسر خداوند می باشد. و از مریم باکره متولد شده است. برای همین ایمان نامه رسولان تاکید می کند که عیسی هم انسان و هم خدا می باشد. ما در برابر این کلمه خدا و انسان باید احترام بگذاریم. ما اینجا دو نکته را به هم متصل می کنیم که هیچ ربطی به هم ندارند. خداوند قدرت نهایی و مقدس و جاویدان است ... همه اینها خصوصیتی هستند که اصلا به انسان نمی توان نسبت داد. خیلی از انسان ها تا به امروز در مقابل این سخن جبهه گرفته اند و می گویند که این اصلا امکان ندارد. از طرفی هم می توان به این آدم ها حق داد چون در فکر ما نمی گنجد که خدا و انسان در یک قالب جای بگیرند. و همچنین این خدایی که بر روی صلیب می میرد باز هم نکته تضادی در اینباره می باشد. همچنین عیسی شخصی است که خدا از طریق او برای آخرین بار راه خودش را بر روی ما می گشود تا ما به سوی او برویم. و او خودش این راه را تعیین کرده است. این معمولی است که عقل ما این رویداد را نتواند باور کند که خدا انسان شده است. و همچنین در عقل ما هم این نمی گنجد که خدا بر روی صلیب مرده باشد. ولی در همه این سوال ها نباید این را فراموش کنیم که در نزد خدا هیچ چیزی غیر ممکن نیست. در انجیل به کرار آمده است که عیسی هم خدا و هم انسان است. در اینباره شما می توانید انجیل یوحنا فصل اول و همچنین انجیل کلوسیان 2:9 " زیرا الوهیت به طور کامل در مسیح مجسم شد " را بخوانید. از این همه دلایل آشکارا ما بایستی در مقابل خدای بزرگ سکوت کرده و او را با شادی پرستش نماییم. مشکل انسان بودن عیسی را انسان ها همیشه سعی داشتند با عقل خودشان تحلیل نمایند که کاری اشتباه است آنها می بایست انسان بودن عیسی را با دید انجیل نگاه بکنند. به همین دلیل برخی از انسان ها می گویند که عیسی به صورت ظاهری انسان شده بود ولی در اصل خدا باقی مانده است. برخی هم به این معتقد هستند که عیسی 50 درصد انسان و 50 درصد خدا بوده است. در بین افراد بالارته دین یهودیت، از انسان شدن خدا بسیار شوکه شده بودند. موضوع قبول کردن عیسی به عنوان آن شخص مسح شده موعود، مشکلی برای یهودیان پیش نمی آورد فقط او را به عنوان خدا قبول نداشتند. زیرا از نظر تفکرات مقدس آنها این رویداد تضاد بزرگی باهم داشت. ولی عیسی همیشه به مسح بودن خود تاکید داشت و او همیشه این را می گفت که خدا در او خانه کرده است. و او پسر خداوند است. و برای همین امر که عیسی خودش را همتر از خدا می دانست یهودیان را بسیار عصبانی کرده بود. زیرا کسی که خودش را با خدا یکی بداند به بزرگترین گناهان دست زده است. برای همین آنها او را در آخر به صلیب کشیدند. در دین اسلام احترام خاصی به عیسی دارند و او را پیامبر می دانند. در قرآن آمده است که عیسی یک پیامبر است ولی با پسر بودن خداوند او موافق نیست. ما از دو دیدگاه دین یهود و اسلام می توانیم به این نکته از عیسی برسیم که او این چنین شخصیتی باید باشد: آدم می تواند یا عیسی را به عنوان خدا قبول داشته باشد یا به کل باید او را انکار کند. موضوع سر این نیست که ما از یک طرف او را به عنوان یک پیامبر بشناسیم و از طرف دیگر طبق کلام او که می گوید من پسر خدا هستم، او را انکار کنیم. مسلمانان دقیقا همین عمل را

انجام می دهند آنها عیسی را به عنوان پیامبر قبول دارند ولی پسر بودن او را از جانب خدا را انکار می کنند. همچنین کشته شدن او در صلیب را رد می کنند. در اینجا خیلی از انسان های دیگر با مسلمانان و برخی از مسیحیان هم عقیده هستند. زیرا آنها همانند مسلمانان اعتقاد دارند که عیسی فقط یک انسان خوبی می بوده است. و این اعمال را آدم باید الگو برداری نماید. مسلمانان و انسان های مدرن این امر وحشت ناک به صلیب کشیده شدن عیسی را بر روی صلیب انکار می کنند. و وقتی که عیسی بخاطر گناهان ما انسان شده و بر روی صلیب کشته شده است من چاره دیگری ندارم جز اینکه او را ارباب خودم بدانم. و ما این کار را می کنیم زمانی که ایمان نامه رسولان را اینگونه می خوانیم: " پسر یگانه او خداوند ما" با این سخن ما این را اعتراف می کنیم که عیسی نه فقط یک ادم خوب و یک الگو بود بلکه او ناجی و پسر خدا می باشد که خداوند او را برای نجات ما و در مسیری قرار داده است که ما به سوی او برویم. بنابراین راه دیگری به جز آن برای ما باقی نمی ماند. در نهایت من می توانم یا در برابر او زانوهایم را خم بکنم و او را خدای خودم بنامم (انجیل یوحنا 20؛ 28) یا من بایستی به او دشنام دهم. به غیر از این دو راه ، مسیر دیگری وجود ندارد.

عیسی برای ما چه کاری انجام داده است؟

در ایمان نامه رسولان زندگی نامه عیسی به اختصار و همچنین بشکل واژگون توضیح داده شده است. مسیر عیسی به سوی ما به پایین ترین و به بالاترین حد خود می رسد. عیسی از نزد خداوند می آید و بدین ترتیب او با انسان شدنش نذول می کند او این کار را نمی کند تا چیزی را کامل کند بلکه او با این کار قصد دارد تا ما به خدا متصل بشویم. و نجات یابیم. اگر کسی ایمان نامه رسولان را به خوبی بداند این نذول و صعود را می تواند بخوبی در آن تشخیص دهد. او در پایین ترین قسمت خود قرار می گیرد یعنی جایی که او به صلیب کشیده می شود. در مرگ عیسی بزرگترین تضاد جهان رخ می دهد. خدا می میرد. عیسی با این کارش مجازات طولانی آدم و حوا را از اولین زمان ها به خود می خرد. او این کار را برای ما انجام می دهد تا نفرین گناه از ما برداشته شود. بعد از مرگ او دوباره به ملکوت خداوند پدر برمی گردد. او بعد از این ، رستاخیز می کند همچنین او به جهنم نمی رود تا به دستان شیطان گرفتار شود بلکه او می رود تا او و مرگ و گناه را از پای درآورد. از آن به بعد شیطان دیگر نباید با ما کاری داشته باشد اگر ما در عیسی بمانیم. شیطان از آن زمان مانند یک سگ وحشی به زنجیر بسته شده است. او ما را فقط می تواند گاز بگیرد اگر زمانی که ما از عیسی دور بشویم. و به شیطان نزدیک بشویم . نذول و صعود عیسی را می توان به شکل زیر بهتر فهمید:

نذول و صعود خداوند ما عیسی مسیح

او در سمت راست خدای پدر نشسته



پسر یگانه خدا و خداوند ما



به سوی بهشت سعادت کرد



او توسط روح القدس نهاده شد



او از مردگان برخاست



او از مریم پاکره متولد شد



او به اعماق جهنم نذول می کند



او در حکومت پینتیوس پلاتوس رنج کشید



بمرد و مدفون گردید



ما از مسیر عیسی هدف و پیغام او را این چنین برداشت می کنیم:

عیسی ما را از مرگ و گناه و شیطان نجات می دهد و او می خواهد به ما زندگی جاویدان و بخشش گناهان هدیه دهد.

شما می توانید سوال های 74-76 را در کتاب کاتیسوس کوچک مارتین لوتر را در صفحه 79 بخوانید.

در این مسیر نذول و سعود عیسی این امر روشن می شود که عیسی در حالت نذول خود به حالت پایینی می رسد که یک انسان در آنجا قرار دارد. او سعی می کند در این حالت همانند ما بشود. او می بایستی همانند ما گریه کند. و همچنین تمام رنج های انسانی که وجود دارد را باید تجربه کند. او در این حالت حتی به خدا دعا می کند. و در آخر هم باید با یک مرگ دردآور بمیرد. در اینجا است که مسلمانان و همچنین فرقه شاهدان یهوه به این موضوع اشاره می کنند که عیسی خداوند نبوده است زیرا چطور خداوند می تواند به سوی خودش دعا کند؟ و خدا چگونه می تواند بمیرد؟ اینها سوال های رایج آنها می باشند. ما برای جواب این سوال ها باید به مقصد آمدن و رفتن عیسی اشاره بکنیم. عیسی از سوی پدر آسمانی می آید و به پایین ترین سطح خود یعنی انسان نذول می کند. او می بایستی به عنوان یک انسان به سوی خدا دعا کند. و در آخر هم بایستی به عنوان یک انسان بمیرد. ولی در یک حالت او تغییر نمی کند و آن هم او برای همیشه بی گناه می ماند. بعد از مرگ ، او دوباره زنده می شود. و دوباره به سوی خدای پدر و به آسمان ها سعود می کند.

صحبت عیسی با مسلمانان

اگر ما مسیحیان بخواهیم درباره عیسی با مسلمانان صحبت کنیم باید جرات زیادی بخرج دهیم. از یک طرف ما هم باید مثل مسلمانان از به آدم تبدیل شدن خدا متعجب باشیم زیرا ما آن را با عقل خودمان نمی توانیم بفهمیم. و از طرف دیگر

هم ما باید با آنها درباره اطلاع دادن غلط معلم های دینی آن زمان به محمد که به او نگفته اند که عیسی خود خدا است بحث نماییم. امروزه بحث کردن راجعه خدا بودن عیسی و کشته شدن او بر روی صلیب ، مابین مسیحیان و مسلمانان خیلی سخت تر شده است. بعلاوه آن ، جاهایی هم وجود دارند که نظرهای مشابه به هم نیز دارند مثل:

مسلمانان و مسیحیان به این باورند که خدا با کلامش جهان را آفریده است.

در سوره 2؛117 در قرآن آمده است که او آفریننده زمین و آسمان ها می باشد. اگر یک چنین امری در اینجا مورد قبول واقع می شود پس ما نیاز است که بگوییم که پس همین امر درست است.

محمد به دنبال سخنان یوحنا 1؛1-5 که می گوید: او در ابتدا کلمه بود و این کلمه در کنار خدا بود و خدا در کنار این کلمه. در سوره 19؛34 این مطلب را شرح داده است.

این عیسی است ؛ پسر مریم او کلمه حقیقت است. و به آن چرا شک دارید.

همچنین در قرآن و در سوره 3؛45 آمده است که:

انجایی که فرشتگان گفتند: ای مریم ، خدا برای تو خبری از او برای تو دارد نام او عیسی مسیح است. یعنی پسر تو . او در همه جا دیده خواهد شد. کسی که در کنار خداوند قرار خواهد گرفت.

در قرآن هیچ جا نیا آمده است که کسی دیگری با کلمه خداوند مقایسه شده باشد. حتی محمد هم یک بار به عنوان کلام خدا تعریف نشده است. و اینگونه می توان برای مسلمانان توضیح داد که عیسی و خداوند یکی هستند. اگر این چنین است پس کلام خدا نمی تواند هرگز دروغ بگوید. عیسی هم نیز در یوحنا 10؛30 می گوید که او به عنوان کلمه خدا ، با خدای پدر یکی می باشد.